



تولیدی دوباره

19

# سوپرمن

بخش سوم

# سوپرمن در دنیای ما

توماسی  
گلیسون  
علی آقا  
صادقی







هرکاری که میکنی بیهوده است،  
کلارک ... هنوز داره ناپدید میشه!

باهام بمون!

روی چشمام  
تمرکز کن!

... سعی  
... میکنم



نرو ...



خواهش میکنم،  
مامان ...



... بابا ...



... منورها  
... نکنی ...





...نکئید؟

# سوپرمن دوباره

بخش ۳: نمیتونی بری

نویسندگان پیتر جی توماسی و پاتریک گلیسون  
طراح پاتریک گلیسون  
مترجم علی آقا  
ادیتور امیرحسین صادقی

سوپرمن خلق شده توسط  
جری سیگل و جو شوستر.





جان کیه؟



پسرمونه.

لوئیز ...  
پسرمون ... اونو  
باید یادت بیاد.

باعث افتخاره،  
سوپرمن ...



... ولی ما یه  
خانواده نیستیم.



مکسیزیتلک ...



مکسیزیتلک!



برگرد!

نمیتونی  
همینطوری بزاری  
و بری!

بنظرت این یه بازیه؟  
داری با زندگی انسان های  
معصوم بازی میکنی!

زندگی من!

بازی؟





کسی گفت  
"بازی"؟



آره ... بازی.

تو ...  
میخوای ...  
با من ...

... بازی کنی؟

آره.

ولی خواهش میکنم،  
برای بازی کردن باید  
همینجا بمونی ...

با تو؟

مگه همیشه  
اینکارو نمیکنیم؟



این برای  
قدیم ها  
بود.





ولی دیگه نمیشه، دوست روزهای خوب من! حالا دیگه میخوام به بازی جدید بکنم!

دوبرابر و یا هیچ!

آبی درخشان ... دوباره ...

سوپرمن! تو خونه کلارک چه اتفاقی داره میوفته!؟

بیا اول از شر قوانین قدیمی مثل جاذبه، فیزیک و واقعیت خلاص بشیم.

آخه کی به اونا نیاز داره، درست میگم؟

فقط تو ...



... و من.

ما کجاییم؟

وسط یه دره. نزدیک حیاط خلوت ابدیت.

یجور زمین بازی در بعد شخصی خودم که بدور از چشمان کنجکاو و بدون دخالت کسی میتونم توش بازی کنم.

آبی چی؟



# کسل کنندست.

اینجا همه چیز اون شکلیه دیگه. این ماهیت درونی توست. چیزی که از تو ... تو رو میسازه.

حالا دیگه میتونیم سرگرمی رو شروع کنیم؟

چطوره فقط ما دوتا باشیم؟ یوگو میتونه همینجا بمونه ...



لوئیز پیش من میمونه.

پوفف. خیلی خب، باشه، باشه، باشه ...







لوئیز و کلارک،  
کلارک و لوئیز.

هر اتفاقی هم که بیافته،  
همیشه و در همه جا  
شما دوتا هستید.

حتی تو کوانتوم شکسته  
فضا-زمان هم موفق به  
پیدا کردن هم میشیدی.

راستش عشق  
بازی کیهانی شما  
... شرم آورده.

ولی وقتی اون تعمیرکارهای  
فضول نمیتونن شما رو از هم  
جدا کنن، پس چرا من وقتم  
رو هدر بدم؟ اون هم وقتی که  
میشه تفریح کرد!







حتی وقتی تمام امید و خوش بینی ها به دو قسمت تقسیم شد و برای بازی کردن دو تا ازت وجود داشت، هیچکدومتون برای نجات من نیومدید!

داری میگی من به دو قسمت تقسیم شدم؟

تو فکر میکنی من با دیدن ترکیدن و تبدیل شدن اون یکی به یه انرژی قرمز رنگ ناراحت میشم، ولی منکه گفتم، حقیقتش بود.

انرژی قرمز رفت تو اون ...



ادامه بدیم!



بازی رو شروع میکنیم!

چشماتون رو باز کنید و ببینید!

# پلانت یگران!

جایی که توش همه چیز ممکنه و مسکن همیشه برنده میشه!



چطوری به جان برسیم، مکسزیتلک؟

همین الان بگو وگرنه کاری میکنم تا برای همیشه گم و گور بشی.

باید چیز خوبی برای جان باشه ... که یکی اینقدر بهش اهمیت میده.

قبلا ما هم اینطوری بودیم ولی تو خیلی راحت منو فراموش کردی.

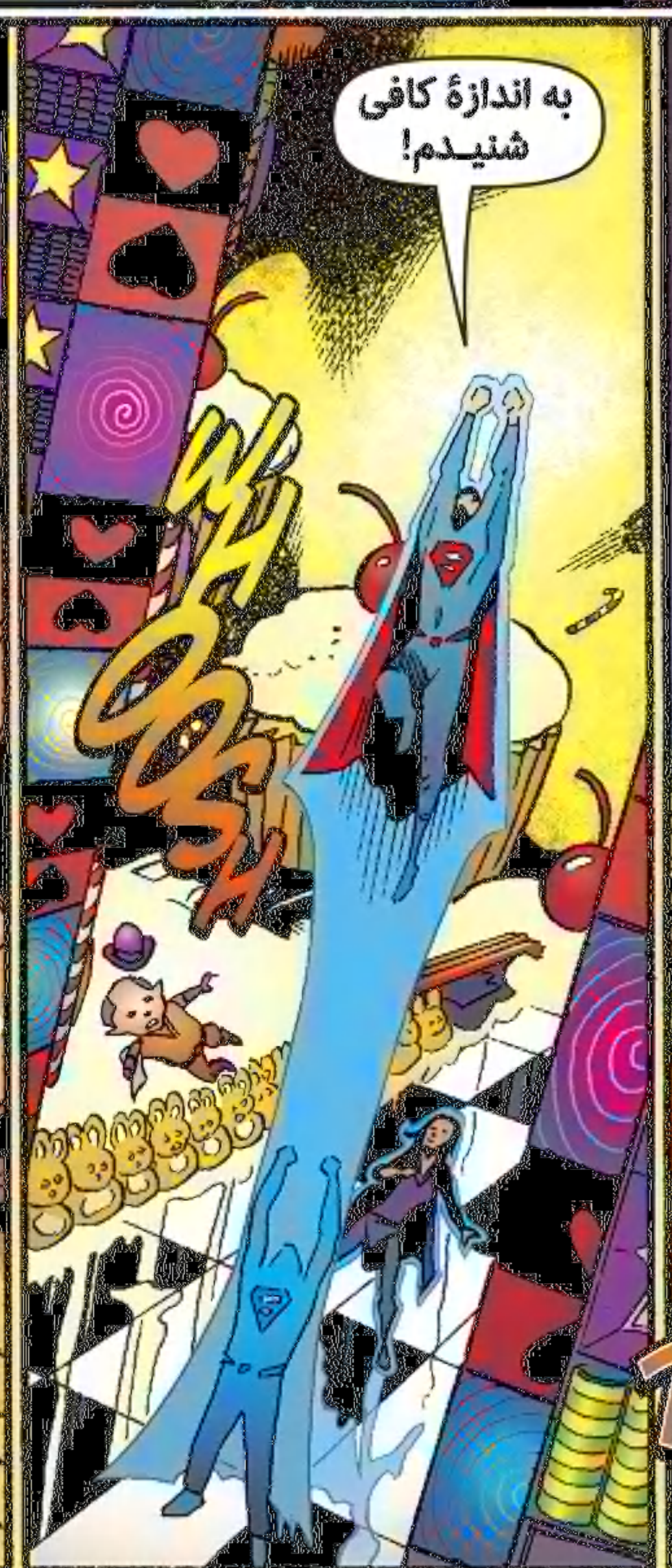
گوش کن چی میگم.



مطمئن میشم که دیگه هرگز منو فراموش میکنی.

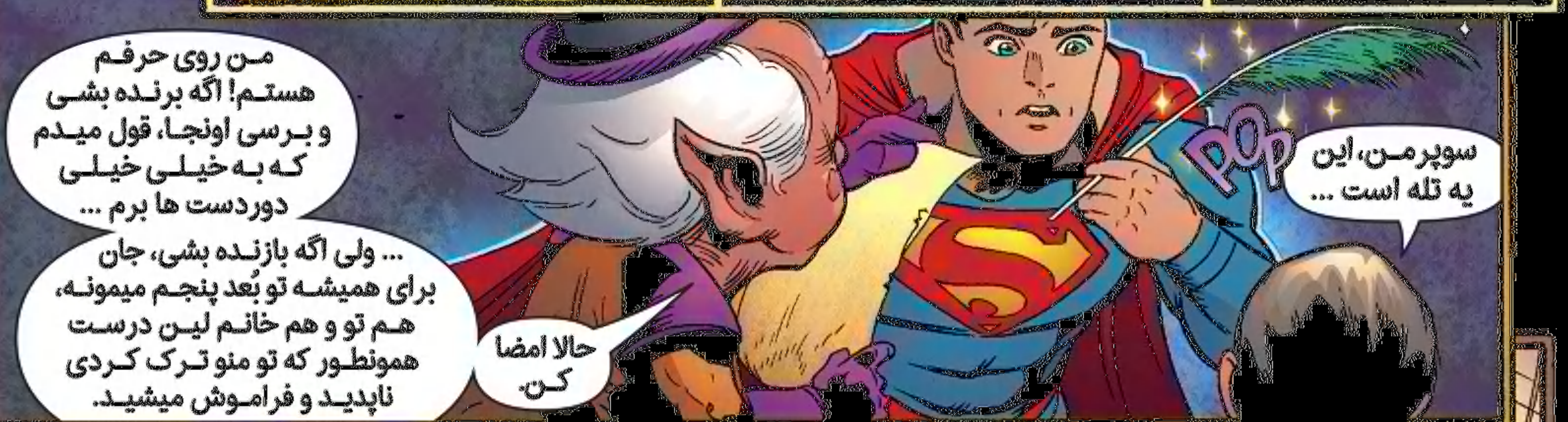
جان اون بالا توی اون کیلاسه. داخل کره پلنت.

تنها کاری که باید بکنی رفتن به اونجاست!



به اندازه کافی شنیدم!

تاک تاک ... یه چیزی هست که باید بدونی، سوپرمن! باید به قوانین عمل کنی!



سوپرمن، این یه تله است ...

من روی حرفم هستم! اگه برنده بشی و برسی اونجا، قول میدم که به خیلی خیلی دور دست ها برم ...

... ولی اگه بازنده بشی، جان برای همیشه تو بعد پنجم میمونه، هم تو و هم خانم لین درست همونطور که تو منو ترک کردی ناپدید و فراموش میشی.

حالا امضا کن.



باید امتحان کنیم ...

همه چیز مطابق نوشته ها میشه!



انرژیون اینجا زیاد دوام نمیاره! با رفتن انرژیون خاطراتون هم از یادتون میره!

هییی هییی!

عجله کنید!

سلام؟





سلااااام؟

مامان، بابا، نمیدونم  
صدامو میشنوید یا نه،  
ولی فکر کنم دارم  
پرواز میکنم.

یا نکنه رو هوا  
معلق موندم؟ بدون  
نقطه مرجع نمیتونم  
بفهمم.

اینجا فقط  
عکس های  
شماست.



دلم براتون  
خیلی تنگ  
شده.

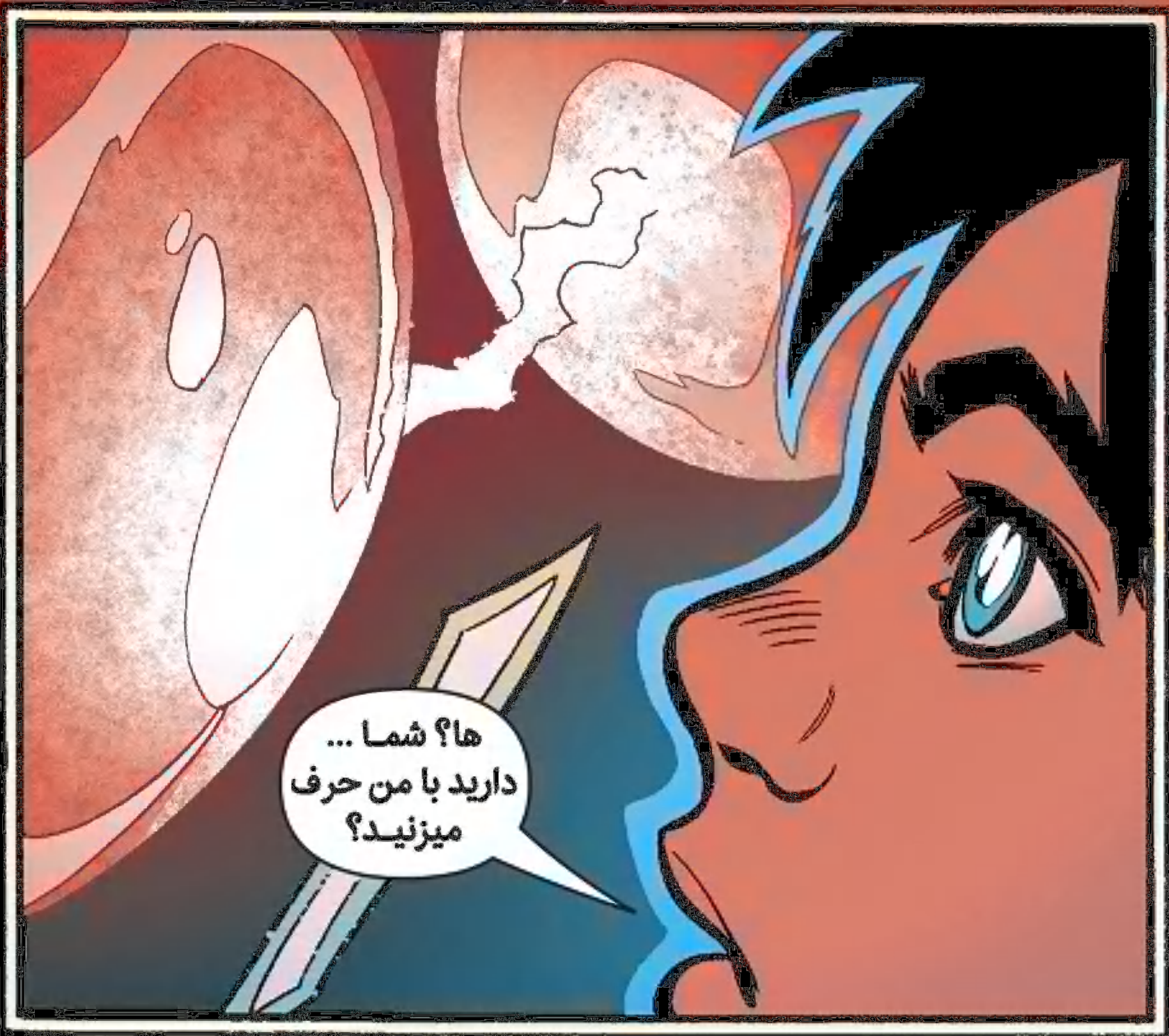


امیدوارم  
بتونید منو پیدا  
کنید...



وایی!

ZZZZZZ



ها؟ شما ...  
دارید با من حرف  
میزنید؟



آره، ولی، شما  
کی هستید؟





سوپرمن؟  
لوئیز لین؟

مامان؟  
بابا؟!

آه ... خب، مثل  
اون حرف میزنید.  
من؟

اسم من جاناتانه.  
من پسر اونام.

خیلی شبیه اونا  
هستید ... ولی فرق دارید.  
بنظرم شما حتما از اونا  
خوشتون میمومد.

ما از هم  
جدا شدیم.

میخوام دوباره  
در قالب یه خانواده کنار هم  
باشیم. من متعلق به اینجا  
نیستم.



هی! شما که منو پیدا  
کردید ... شاید بتونید اونا  
رو هم پیدا کنید؟



دقیقا دارید دنبال  
چی میگردید؟



بزرزرت.





لوئیز و کلارک ...

... کلارک و لوئیز ...

... جنی، اون چیزی که نمیشکست ...

نمیشکست ...

... رو شکست!

دارید تو خودتون کم میشدید! نخى که شما رو به هم گره زده بود داره پاره میشه، مثل رویاهای فراموش شده دارید دارید همدیگه رو فراموش میکنید!

خیلی ساده، خیلی نهایی.

من بردم!



من بردم!

من بردم! من بردم!





منو رها نکن،  
سوپرمن.

هرکاری که  
میکنی بیهوده  
است ...

... داریم ناپدید  
میشیم!

نرو!  
خواهش  
میکنم نرو!!

خواهش  
میکنم.

باهام بمون! رو  
چشمام تمرکز کن!

نمیکنم.

رهات نمیکنم،  
لوئیز ...

... هرگز.



جانانتان!



بایا! بایا!

میتونم صداتو  
بشنوم!





"صداتو  
میشنوم!"

POP

نه نه نه  
نه نه!

حقه زدی! نباید  
چیزی باقی میموند!  
تو چطوری هنوز  
اینجایی!؟

خانواده...  
هرگز... تسلیم  
نمیشه...

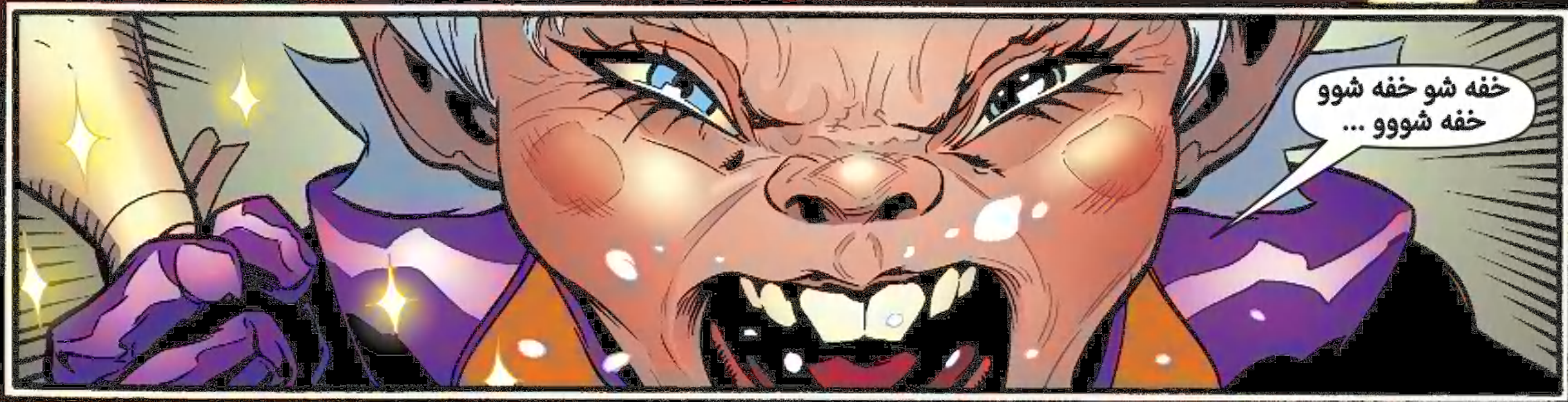
نرو نرو نرو...

خفه  
شو!



مامان!

شما دو تا باید به  
اونا کمک کنید!



خفه شو خفه شوو  
خفه شووو...



خفه  
شو شو شو شو شو!

KATHRAAKK

اوقف!

آیی!



خواهش میکنم!  
میدونم شما آدمای  
خوبی هستید!

باید همین الان  
کمکم کنید تا بهشون  
کمک کنم!



باید منصف بود، هنوز هم  
میدونی چیکار باید بکنی  
تا آب از دهنم بریزه!

ولی وقتشه شکست  
رو بپذیری، وقتشه  
فراموش بشی ...

قد قرارداد.

پ پسر.

میشه بهم  
یادآوری کنی ...  
چه قراردادی؟

چه  
پسری؟

من یادم نیامد ...  
یادم نیامد چی بود ...

... اسمش ...

اسم من  
جانانان ساموئل  
کنته!

ههه! ههه!  
ههه! ههههه!

من  
پسرتم!

چی ... چی ...  
چی؟





"همتون به مشت  
حقه بازید!"





مامان؟  
بابا؟

دژاوو  
نیو ۵۲!

\*دژاوو نیو ۵۲: بازگشت  
به قبل دوره نیو ۵۲

#۹۷۶ **اکشن** کمیک‌های شماره پایانی!



# COMIC SQUAD

Comics & Graphic novels Publication Group

[mail@comicsquad.ir](mailto:mail@comicsquad.ir) | [telegram:ComicSquad\\_ir](https://t.me/ComicSquad_ir) | [Instagram:comicsquad.ir](https://www.instagram.com/comicsquad.ir)